[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]

بررسی اثرگذاری عوامل اجتماعی و فرهنگی بر بافت کالبدی روستاهای گیلان

مژگان خاکپور *، حسام عشقی صنعتی**

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۰۴/۱۵
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۱۲/۲۱

چکیده

بافت کالبدی روستایی در گیلان مانند سایر نقاط، متأثر از عوامل مختلف طبیعی و اقلیمی، اقتصادی و عوامل اجتماعی-فرهنگی است. اینکه این عوامل خود بر یکدیگر تأثیر دارند، امری مبرهن است. اما تأثیرپذیری خصوصیات کالبدی مجموعه‌های زیستی روستایی از عوامل اجتماعی-فرهنگی، موضوع این مقاله می‌باشد. این مقاله در پی پاسخ به عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر بافت روستاهای گیلان و خصوصیات این تأثیر بر ساختار کالبدی آن است. در این تحقیق کاربردی-توسعه‌ای روش تحقیق، ترکیبی توصیفی و علّی است و در زمره پژوهش‌های کیفی است که مستقل از روش‌های عددی می‌باشد. در این مقاله ابتدا عوامل اجتماعی مؤثر بر کالبد سکونت‌گاه‌ها به‌طور عام برشمرده شده و سپس معماری روستاهای گیلان از منظر ویژگی‌های اجتماعی-فرهنگی آن مورد مداقه قرار گرفته و برخی از مهم‌ترین وجوه آن تبیین گردیده است.

یافته های تحقیق حاکی از آن است که تعاملات اجتماعی مردم روستا از یک سو متأثر از شرایط طبیعی است و از سوی دیگر بر خصوصیات اقتصادی و کنش‌های معیشتی استوار بوده که خود یکی از عوامل هماهنگی کنش‌های اجتماعی است و موجب انسجام روابط اجتماعی و فرهنگی ساکنان روستا می‌شود. این عوامل در کنار یکدیگر بوجود آورنده همگونی بافت کالبدی است که در پاسخ به نیازهای اجتماعی، معیشتی، اقلیمی و فرهنگی مشابه شکل می‌پذیرد. عناصر اساسی جوامع انسانی در روستاهای گیلان مشتمل بر جمعیت، فرهنگ و فرآورده‌های مادی و فناوری، نظام‌های اجتماعی و نیز نهادهای اجتماعی است که بر خصوصیات کالبدی روستا متشکل از چهار متغیر کاربری اراضی، شبکه معابر، نظام محله‌بندی و بالاخره ساختار معماری تأثیری عیان برجای می‌نهد. این عوامل در کنار شکل کالبدی مجتمع مسکونی، موجب احراز هویت شخصی و اجتماعی می‌گردد که نه تنها متأثر از فرهنگ و شیوه‌های زیستی است، بلکه بر کالبد سکونتی الزاماتی را دیکته می‌نماید که از کنش‌های اجتماعی معنادار انسان سرچشمه می‌گیرد.

واژگان کلیدی: عوامل اجتماعی و فرهنگی، خصوصیات کالبدی، بافت روستایی، معماری گیلان.

* استادیار دانشکده معماری و هنر، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

** کارشناسی ارشد معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، تهران، ایران. hesameshghi@hotmail.com

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]

مقدمه

شکل و ساختار کالبدی روستاها از عوامل مختلفی تأثیر می‌پذیرند که به‌طور کلی به عوامل مرتبط با طبیعت و مرتبط با انسان شناخته می‌شوند. از عوامل طبیعی می‌توان آب و هوا، خصوصیات جغرافیایی و حتی مصالح محیطی و بومی را نام برد که بافت کالبدی روستا را به‌طور مستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهد. اما از سوی دیگر، کالبد روستا با تاثّر از مسایل مرتبط با انسان، همانند مسایل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی شکل می‌یابد که البته این عوامل بی‌تأثیر از شرایط زیست محیطی و طبیعی نیستند.

مبحث تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی به‌صورت ویژه در معماری، زمانی اهمیت پیدا کرد که متخصصان مختلف به‌خصوص بعد از جنگ جهانی دوم، نظریات هنجاری گوناگونی درمورد تأثیر عوامل خارجی بر محیط طبیعی و محیط مصنوع ارائه داده و به تحقیقات گسترده در زمینه‌های متنوعی از قبیل تأثیر علوم اجتماعی بر انواع گروه‌های کانونی خانواده، محله، روستا و شهر، دست زدند. محور اصلی این نظریات، اعتقاد بر رابطه بین جامعه و محیط زیست به‌عنوان اساسی‌ترین ارتباط موجود در دنیای زیستی بوده است؛ چرا که این ارتباطی دوطرفه و پویاست که دریکدیگر تغییر به‌وجود می‌آورند[1]. چنانکه بردلی درخصوص تأثرپذیری کنش‌های اجتماعی از شرایط محیطی بیان می‌دارد:"تولید معناهای اجتماعی شرط ضروری برای عملی‌شدن یک کنش اجتماعی است و از آنجا که معناها نمی‌توانند ثابت باشند، بلکه پیوسته درحال دگرگونی‌اند و همواره مورد مجادله هستند، به‌دست دادن شرحی از موقعیت‌های گفتمانی کنش‌های اجتماعی باید بخشی از تبیین جامعه‌شناختی درمورد چگونگی عملکرد آن‌ها باشد"(بردلی، ۱۳۸۶: ۲۷). در دنیای معاصر مبحث اثرگذاری عوامل اجتماعی-فرهنگی بر کالبد سکونتگاه‌ها، در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰و در فضای اجتماعی بعد از جنگ جهانی، به‌عنوان رویکردی غالب در پژوهش‌های علوم اجتماعی مطرح شده است. از حدود سی سال پیش تاکنون محققانی چون آموس راپاپورت[2] و پاول الیور[3] با نگرش خاص اجتماعی-فرهنگی خود به موضوعات معماری، فرهنگ و جامعه به‌صورتی عمیق پرداخته‌اند. تحقیق این مقاله نیز در پی پاسخ به این سوال‌ها است که خصوصیات اجتماعی و فرهنگی یک مجموعه زیستی همانند روستا، متأثر از چه عواملی است و این خصوصیات، چه تأثیری بر ساختار کالبدی روستاهای گیلان می‌گذارند؟

پیشینه تحقیق

با آن‌که تاکنون عوامل اجتماعی و فرهنگی به‌دلیل نمود ظاهری کمی که دارند، بیش از سایر عوامل مؤثر بر کالبد زیستی، مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌اند، اما پس از طرح نظریه کنش متقابل نمادین، رویکرد پدیدارشناختی کالبدهای معماری، نیم‌نگاهی نیز به عوامل اجتماعی و فرهنگی موجد آن داشته است. با وجود آن‌که در سطح جهانی نظریه‌پردازان اندکی به این مقوله پرداخته‌اند، اما امروزه جنبه‌های اجتماعی روستاها بیشتر مورد توجه برنامه‌ریزان روستایی قرار گرفته و از اهمیت نسبی برخوردار است. در این راستا، غالب نظریه‌پردازان مطرح جهانی بر تأثیرگذاری کالبد زیستی بر کنش‌های اجتماعی و بر ساخت خصوصیات روانی محیط تأکید داشته و کمتر در مورد تأثیر اجتماع بر کالبد سخن به میان آورده‌اند. بنا بر دیدگاه‌های مختلف طرح‌ریزی کالبدی سکونتگاه‌ها، نظریه‌پردازان این حوزه، آرایی را با رویکردهای متفاوتی ارایه نموده‌اند. چنان‌که گوردن کالن[4] بر اهمیت جلوه بصری محیط مصنوع تأکید کرده و منظر محیط را یکی از روش‌های درک آن عنوان نموده است[5]. همچنین ادموند بیکن[6] نیز ابعاد بصری محیط را در ایجاد

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]

هویت سکونتگاهی مؤثر دانسته و افزایش رفاه و شادابی ساکنان را در گرو کیفیت زیبایی‌شناسی فضاهای عمومی سکونت‌گاه می‌داند[۷].

از سوی دیگر کامیلوسیته[۸] معتقد بوده است که فرایند رشد طبیعی ساختار سکونت‌گاهی به سرزندگی آن کمک می‌کند. کوین لینچ[۹] بر رفع نیازهای روانشناختی ساکنان از طریق طرح‌ریزی کالبدی اشاره داشته و بیان نموده است که افراد به شناخت محیط خود و ادراک آن نیازمندند. او با تأکید بر ارزش عملی و احساسی فرم ظاهری برای ساکنان، اذعان داشته است که جلوه متمایز شهری به‌عنوان اساس توسعه فردی به مسیریابی مردم در سکونت‌گاه کمک می‌کند[۱۰]. اما بر خلاف نظریه‌پردازان فوق، مایکل تریب[۱۱] اعتقاد دارد جلوه سه‌بعدی سکونت‌گاه به‌صورت برهم‌کنش میان عناصر مرئی چشم‌انداز، طرح زمینی، فضای باز و ساختمان‌ها است و بر شکل‌گیری سکونت‌گاه‌ها از طریق تصمیمات آگاهانه یا ناآگاهانه در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی تأکید کرده است. تریب به حالت وحدت یا تنوع، عمومی یا خصوصی، متوالی یا متغیر و معین یا نامعین بودن جلوه بصری و نیز طراحی فضاهای باز و میدان‌ها و خیابان‌ها توجه داشته است[۱۲]. آموس راپاپورت به خیابان‌ها و معابر به‌عنوان عنصر اصلی در سکونتگاه‌ها توجه کرده و معتقد است که نیاز به کارشناسان بین‌رشته‌ای در طرح‌ریزی خیابان‌ها و معابر وجود دارد. راپاپورت همچنین در خصوص تأثیر عوامل اجتماعی فرهنگی بر شکل بنا بر این باور است که شکل بنا، بر اساس نیازها و نوع آن نبوده، بلکه مبتنی بر پاسخی است که در فرهنگ‌های مختلف به آن داده می‌شود و معتقد است که شکل معماری قبل از هرچیز به فرهنگ وابسته است[۱۳]. در ایران جامعه‌شناسی روستایی سابقه‌ای پنجاه ساله دارد که بیشتر به موضوعاتی نظیر اصلاحات ارضی در دهه ۴۰، نظام‌های بهره‌برداری از زمین و مهاجرت روستائیان در دهه ۵۰، محرومیت‌زدایی از روستاها در دهه ۶۰، فقر روستایی و اشتغال در دهه ۷۰ و پس از آن، پرداخته شده است. با نگاهی به تاریخ برنامه‌ریزی روستایی می‌توان شاهد تغییر در رویکرد برنامه‌ریزان و ارتقای برنامه‌ریزی روستایی از نگاه کارکردی محض به کالبد روستا، به نگاهی چند بعدی و چند ساحتی بود که وجوهی از ابعاد اجتماعی و فرهنگی را نیز در برمی‌گیرد. بررسی‌های برنامه‌ریزی روستایی در ایران مبین وجود قانون‌مندی‌های بومی براساس شبکه دسترسی، نظام محلات و مراکز محلات[۱۴]، الگوی معماری و ساخت مسکن و نظام کاربری زمین بوده است(احمدیان و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۷). این انتظام، تابعی از خصوصیات اجتماعی-فرهنگی در کنار عوامل طبیعی و اقتصادی است. شناخت این خصوصیات به‌دلیل تأثیرشان در حیات اجتماعی روستاها و به‌عنوان مبنا برای برنامه‌ریزی‌های روستایی اهمیت یافته است. با وجود آن‌که جامعه‌شناسان به طیف گسترده‌ای از مباحث و مسایل مربوط به جوامع شهری علاقه‌مندند، اما تاکنون توافق عملی بر سر مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی وجود نداشته است. با این وجود تمسک به چند شاخص اصلی که در رویکردهای مختلف این حوزه دارای اهمیت بیشتر بوده است و بر آن اتفاق نظر نسبی وجود دارد، ممکن می‌گردد.

روش‌شناسی تحقیق

هدف مقاله حاضر، شناخت تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی بر بافت کالبدی روستاهای گیلان و ویژگی‌های این اثرگذاری است. در این مقاله به‌منظور کاربرد شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی در مطالعات موردی(پهنه فرهنگی گیلان)، به معرفی و تأثیر عوامل یاد شده بر نظام‌های کالبدی روستایی در نقاط مختلف خرده

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]

اقلیمی گیلان پرداخته می‌شود. نظر به اینکه بررسی ویژگی‌های اجتماعی(و به‌خصوص فرهنگی) نمی‌تواند محدود به حوزه‌ای بسته باشد و این مقوله متعاقب ارتباطات اجتماعی بزرگ و متوسط، در مکان، تحدیدپذیر نبوده ولی در زمان تغییر می‌یابد، لذا تدقیق به‌صورت مطالعه موردی بدون فرانگری در حدود مکانی، امری غیر علمی خواهد بود. با این حال امکان تحقیق ژرفانگر، در این خصوص بیشتر به‌صورت تک‌نگاری میسر می‌باشد. بنابراین تعمق در ویژگی‌های اجتماعی-فرهنگی برای مقاله حاضر که محدود به‌حوزه فرهنگی گیلان است، در محدوده شهرستان رودسر به روستاهای کوشکوه، قاسم‌آباد، سجیران، لیما، حسن‌سرا و آغوزبن کندسر، خرده اقلیم‌های حاشیه دریا، جلگه، میان‌بند و کوهپایه و کوهستان را شامل می‌گردد. هرچند که تأثیر عوامل اجتماعی-فرهنگی تنها به این منطقه محدود نبوده است، با این‌حال مطالعه موردی در این منطقه وجوه این تحقیق را ملموس‌تر می‌نماید.

این نوشتار که بر مبنای تحقیق کاربردی-توسعه‌ای با راهبرد پژوهشی‌توصیفی و علّی است، به مطالعه موردی در منطقه جغرافیایی گیلان توجه دارد؛ که از سویی بر مدارک اسنادی و منابع نوشتاری استوار است و از سویی دیگر بر شرایط اجتماعی و فرهنگی نظر دارد و به فهم کالبد روستا از دیدگاه کل‌نگر می‌پردازد. اطلاعات آن با تکیه بر اسناد کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی به روش مشاهده مشارکتی گردآوری شده است. مبانی نظری این تحقیق کیفی در اغلب بخش‌ها بر پارادایم ساختارگرایی و مستقل از مستندات عددی است. رویکرد نظری اثباتی نبوده، بلکه هنجاری با دامنه متوسط است. داده‌های مطالعات میدانی این مقاله در بیش از ۱۵۰ روستای استان گیلان از میان بیش از دو هزار و هشتصد روستای دارای سکنه، طی سالیان متوالی (بیش از چهارده سال) جمع‌آوری شده است. این روستاها از حوزه‌های مختلف فرهنگی شرق و غرب گیلان (بیه‌پیش و بیه‌پس)[۱۵] و حوزه‌های اقلیمی کوهستان، کوهپایه، جلگه و نوار ساحلی، به لحاظ تعمیم‌پذیری به کلیه نقاط استان، انتخاب شده است. در بخش مطالعات در خصوص تعمیم اطلاعات روستاها به کلیت خصایص اجتماعی-فرهنگی گیلان از روش استقرا و در تحلیل اطلاعات بیشتر از شیوه قیاس استفاده شده است. بدیهی است در این تحقیق که به تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی بر ساختار کالبد زیستی اختصاص دارد، ویژگی‌هایی نظیر خصوصیات طبیعی متغیر مستقل، خصوصیات معیشتی و خصایص فرهنگی متغیرهای میانگر و ویژگی‌های کالبدی به‌عنوان متغیر وابسته مطرح می‌باشند. هرچند که برخی از خصایص سیاسی و فرهنگی نیز در شرایطی به‌عنوان متغیر مستقل منظور می‌گردند.

دسته‌بندی عوامل اجتماعی مؤثر بر سکونتگاه‌ها

وقتی تأثیر عوامل اجتماعی بر سکونتگاه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد، منظور بررسی ساختار اجتماعی است. بدین سبب موضوعاتی مانند گروه‌های اجتماعی از دیدگاه نظریه‌های جامعه‌شناسی دارای اهمیت ویژه است. زیرا موضوعاتی مانند قوانین، دین و عقاید مذهبی، سبک زندگی، اخلاقیات و شیوه‌های زیستی تأثیری عیان بر ساختار فیزیکی سکونت دارند. "ریشه‌های نگرش فرهنگی اجتماعی به شکل امروز آن در معماری را باید در علوم جامعه‌شناسی و فرهنگ‌شناسی جستجو نمود" (معماریان، ۱۳۸٤: ۳۷۰). جامعه‌شناسی علمی، به شکل ساختارمند آن که در ظاهر بر تفکرات غربی بنا نهاده شده است، ریشه در اندیشه‌های کهن‌تری دارد که مرهون فعالیت‌ها و نظرات علمای اسلامی نظیر فارابی، بیرونی، خواجه نصیر، مولوی و سرآمد آنان ابن‌خلدون می‌باشد[۱۶].

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]

ساختار فیزیکی و کالبد در معنای عام، مفهومی است که تعریف و تحدید کننده فضا محسوب می‌شود و "فضا مجموعه‌ای از مواضع متمایز و هم‌زیست بیرون از یکدیگر است که به وسیله یکدیگر، به وسیله بیرونیت متقابل از هم و به‌وسیله روابطی چون نزدیکی، دوری و نیز به وسیله روابطی که نظم را نشان می‌دهد مثل رو، زیر یا بین تعریف می‌شود" (بوردیو، ۱۳۸۹: ۳۳). اما مفهوم کالبد روستا، به معنای بستری است که امکان شکل‌گیری فعالیت‌های روستایی را فراهم ساخته و بافت روستا نیز به واسطه آن ادراک می‌گردد. "بافت روستا مجموعه‌ای به‌هم پیوسته از فضاهای پر و خالی شامل مسکن، فضای مذهبی، فرهنگی، بهداشتی و خدماتی، فضاهای عمومی و اختصاصی، فضاهای ارتباطی و فضاهای باز است که در کنار یکدیگر ساختار کالبدی را شکل می‌دهند" (سرتیپی‌پور، ۱۳۸۸: ۱۱). با بیانی متکمّل، اذعان می‌شود که "بافت کالبدی روستا شامل مجموعه ابعاد فیزیکی و قابل مشاهده و اندازه‌گیری بافت روستا است که نتیجه دخالت عوامل تأثیرگذار طبیعی و انسانی در فضایی تعاملی است" (احمدیان و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۷). بر این اساس می‌توان گفت اجتماع انسانی در هر سکونت‌گاهی چه براساس دیدگاه‌های تجربی و چه براساس برنامه‌ریزی‌های جدید، در برخورد با محیط و تأمین نیازهای اجتماعی انسان در آن، دارای تمایلات و علایقی است که آنچه بنا می‌سازد نتیجه هم‌نشینی علایق فردی و اجتماعی با محدودیت‌ها یا تسهیلات محیط طبیعی است. چرا که اجتماع ساکن در روستا برای استفاده از زمین، ایجاد شبکه معابر، مکان‌یابی کاربری‌های مختلف و ساخت و ساز، از امکانات محیطی استفاده کرده و البته محدودیت‌های محیطی را نیز منظور می‌دارد.

سکونت‌گاه‌های بشری در پی پاسخ به نیازهای مادی و غیر مادی انسان شکل می‌یابند. از مهم‌ترین این نیازها، پاسخ‌گویی به الزامات زیستِ جمعی انسان است؛ زیرا حیات و بقای انسان در گرو زیست اجتماعی است."اجتماعی بودن در وسیع‌ترین معنا، هر نوع رفتار یا نگرشی است که از طریق تجربه حال یا گذشته، از رفتار سایر مردم تأثیر پذیرفته؛ یا اشاره به رفتاری است که به سوی سایر مردم جهت‌گیری شده است. اجتماعی بودن در برخی موارد به همکاری یا کنش گروهی، سازمان یافته و هدفمند محدود می‌شود"(گولدو کولب، ۱۳۸٤: ۲۹). به بیانی دیگر، اجتماعی بودن خصوصیتی است که متأثر از احساس‌ها و نگرش‌ها بوده و در ارتباط با سایرین به‌کار برده می‌شود و از این رو بر کالبد زیستی انسان ساکن در جامعه نیز مؤثر است. همان‌گونه که از تعاریف مترتب بر جامعه استیفاد می‌شود جامعه، نظامی از روابط و مناسبات متقابل است که افراد را به هم پیوند می‌دهد و همه جوامع بر این اساس متحد می‌شوند که اعضای آن‌ها مطابق با فرهنگ یگانه‌ای بر ساختاری از روابط اجتماعی سازماندهی می‌شوند (گیدنز، ۱۳۸٦: ۳٤). بر این اساس می‌توان اذعان داشت که هر آنچه در ارتباط با جامعه مطرح می‌گردد، با روابط افراد و روابط فرهنگی حاکم بر جامعه بی‌ارتباط نیست. اینچنین است که فضای اجتماعی به‌عنوان عاملی اساسی در اتخاذ تصمیم‌های افراد جامعه مؤثر می‌افتد. "مفهوم فضا، متضمنِ فهمِ دنیایِ اجتماع در قالب روابط است. این مفهوم تاکیدی است بر این‌که هر واقعیتی که به وسیله آن تعریف می‌شود، در رابطه بیرونیتِ متقابل عناصری قرار می‌گیرد که این فضا را تشکیل می‌دهند"(بوردیو، ۱۳۸۹: ۷۲). فضای اجتماعی به معنی متفاوت شدن اجتماعی است که می‌تواند مبیّن آشتی‌پذیری و یا رویارویی‌های میان افراد مختلف در این فضا باشد.

جستجو در میان نظرات ارایه شده از سوی متخصصان در خصوص عوامل اجتماعی-فرهنگی حاکم بر جوامع

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]

شهری و روستایی، طیف متنوعی از شاخص‌ها، عوامل و عناصر اجتماعی را معرفی می‌نماید. چنان‌که ابن‌خلدون[۱۷] برخی از تفاوت‌های سکونت‌گاه‌های شهری و روستایی را با برشماری خصایص اجتماعی-فرهنگی، در پرداختن به فرهنگ و بروز ویژگی‌های ظاهری تمدن، خصایص جمعیتی و روابط خویشاوندی، خصوصیات اقتصاد معیشتی و شیوه‌های زندگی روزمره مرتبط با آن، اعتقادات مذهبی و آداب و رسوم و کنش‌های فرامادی، و البته سواد، سیاست، دیانت و اخلاق بیان نموده است[۱۸]. بررسی نظریات متخصصان دیگر نیز، امکان دسته‌بندی معیارهای سنجش و عوامل اثرگذاری را فراهم می‌آورد.

رالف لینتون[۱۹] معتقد بر ایده «تحلیل فرد براساس روانشناسی، جامعه براساس جامعه‌شناسی و فرهنگ براساس قوم‌شناسی فرهنگی» است و بیان می‌دارد که رابطه سه‌گانه فرد، جامعه و فرهنگ و تأثیر متقابل آن‌ها بر یکدیگر چنان آشکار و دایمی است که هرگاه محققی بخواهد در مورد یکی بی‌توجه به آن دو دیگر، تحقیق کند خیلی زود به بن‌بست خواهد رسید(Linton, 1945:21). از این منظر، نمی‌توان بررسی و تحلیل کالبد سکونت برای انسان را بدون لحاظ عوامل فرهنگی و اجتماعی صحیح یافت. آموس راپاپورت، اجتماع و فرهنگ را به مثابه عامل تعیین‌کننده غیرمادی در شکل بنا می‌داند و معتقد است " کالبد سکونتی یک کنش انسانی است و حتی در سخت‌ترین شرایط و در میان شدیدترین تنگناها و قیود فیزیکی و با تکنیک‌های محدود، باز هم یک انتخاب از میان انتخاب‌های متعددی است که نقش ارزش‌های فرهنگی را روشن می‌سازد" (راپاپورت، ۱۳۸۸: ۸۵). نظریه‌های کنش اجتماعی که متوجه تحلیل چگونگی رفتار کنشگران فردی و جهت‌گیری آنان در قبال یکدیگر و جامعه است، مبین گزینش فرهنگیِ شکلِ کالبدِ سکونتی است و کنش مبتنی بر ساختارها است که موجب پیدایی شکلی کالبد می‌شود. وبر[۲۰] اولین جامعه‌شناسی بود که بر تأثیر فرهنگ بر کنش‌های اجتماعی تأکید داشت."نظریه‌های کنش اجتماعی توجه بیش‌تری بر کنش و کنش متقابل اعضای جامعه در شکل‌دادن به ساختارهای بنیادین جامعه می‌کند"(گیدنز، ۱۳۸٦: ۲۸). این که کدام عوامل و نیروهای بیرونی، انسان را وادار به اتخاذ تصمیم می‌نمایند، به‌همراه تحلیل چگونگی رفتار فرد به‌عنوان عنصری از جامعه و جهت‌گیری در گزینش فرم و کالبد، اهمیت دارد. لذا تأکید بر تأثیر عوامل طبیعی یا اقتصادی بدون لحاظ نیروهای اجتماعی و فرهنگی که اتخاذ تصمیم و انتخاب انسان را موجب می‌گردند، سبب گمراهی است.

با تعمق در نظریات جامعه شناسان و متفکران (ج ۱)، گستردگی طیف عوامل اجتماعی مؤثر بر کالبد سکونتی عیان می‌گردد. اما با توجه به مفاهیم اصلی جامعه‌شناسی، می‌توان عناصر اساسی مورد مطالعه را در چهار دسته کلی جمعیت، فرهنگ، نهادهای اجتماعی و نظام‌های اجتماعی خلاصه نمود (ج ۲). شایان توجه است که براساس آرای هریک از صاحب‌نظران، توجه به اولویت‌بندی یا تقسیم زیرمؤلفه‌ها می‌تواند متفاوت باشد.

ویژگی‌های بافت کالبدی روستاهای گیلان

کالبد و معماری بومی روستایی در گیلان با ظاهر مغایر خود، اقتباسی ساده از طبیعت و جغرافیای منطقه به‌همراه اثرپذیری زیاد از ویژگی‌های فرهنگی-اجتماعی ساکنان آن بوده و پاسخگوی نیازهای سکونتی مردمانی است که فعالیت‌های اقتصادی و فرهنگ زیستی آنان، متفاوت با دیگر نقاط ایران است. اجتماعات روستایی گیلان نیز همچون دیگر"فرهنگ‌های سنتی که تقسیم کار ناچیزی دارند، از انسجام مکانیکی برخوردارند. از آن‌جاکه اکثر اعضای این جوامع مشاغل مشابهی دارند، به سبب تجربه مشترک و عقاید مشترک به‌هم پیوند می‌خورند"(گیدنز،

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]

۱۳۸٦: ١٦). بر این اساس در جوامع روستایی که نوع معیشت مردم از تشابه زیادی برخوردار است، شیوه‌های عرفی زندگی، مجال و فرصتی برای اختلاف نظرهای فردی و شخصی باقی نمی‌گذارد و تجارب مشترک شغلی موجب بروز رفتارهای فرهنگی متشابه می‌شود. همچنین سازماندهی بافت کالبدی روستاها، حاصل تعامل جوامع انسانی و ساختار طبیعی منطقه طی مدت طولانی است و پویایی یک سازمان فضایی، متأثر از نقش و کارکردهای سکونتگاه‌ها و روابط، مناسبات و پیوندهای بین اجزای آن است(Lynch, 2005: 2). لذا در گیلان نیز سازمان فضایی روستاها، دارای ساختاری پویا است که برخی از وجوه مشترک آن‌را می‌توان دسته‌بندی کرد. مسلم آن‌که هیچگاه نمی‌توان داعیه شناخت کامل همه خصایص (به‌خصوص اجتماعی و فرهنگی) یک جامعه را داشت.

نظریه پرداز	چکیده نظر	خصوصیت کالبدی منتج از نظر
ماکس وبر	گروه‌های شاخص مانند خانواده و گروه‌های قومی در مناسبات اجتماعی نقش داشته و رفتارهای اجتماعی را معنا و جهت می‌دهند و ضوابط را تعیین می‌کنند(وبر، ۱۳۸۵: ۳۳).	برخی از ضوابط تعیین شده از سوی گروه‌های قومی و اجتماعی، بر کالبد سکونتی و شکل معماری اعمال می‌شوند.
پیر بوردیو	عادت‌واره‌ها(رفتارهای اجتماعی تحت تأثیر یک حوزه) موجد وحدت در روش‌های زندگی در هر موقعیت فرهنگی-اقتصادی بوده و آن را از دیگر موقعیت‌های زمانی- مکانی متمایز می‌کنند(بوردیو، ۱۳۸۹: ۳۵).	عادت‌واره‌ها با تأثیر از شیوه‌های زیستی، موجب همگونی معماری و کالبد مجموعه زیستی در موقعیت واحد اجتماعی-فرهنگی می‌گردند.
آموس راپاپورت	در فرهنگ‌های سنتی، محیط همانند فرهنگ در بروز هنجارهای رفتاری نقش دارد(راپاپورت، ۱۳۸٤: ٦٧). شکل خانه متأثر از شیوه زندگی است و شیوه زندگی طیف وسیعی از فعالیت‌ها را در بر دارد (راپاپورت، ۱۳۸۸: ۱۱۳).	روش‌های زندگی از مهم‌ترین عوامل شکل مسکن و کالبد روستایی است.
آنتونی گیدنز	محیط مادی، سازمان سیاسی و عوامل فرهنگی بر تغییرات اجتماعی مؤثرند و تأثیر عوامل فرهنگی همچون دین، نظام‌های ارتباطی و رهبری بیش از دیگر عوامل است(گیدنز،۱۳۸٦: ٦٣).	رابطه متقابل فرهنگ و کالبد، موجب بروز خصایص و تغییرات اجتماعی می‌گردد و از آن نیز تأثیر می‌پذیرد.
ماکس‌سور	نوع زندگی تحت تأثیر شیوه‌های زیست و نیز الگوهای معیشتی قرار دارد که برخی از جنبه‌های رفتاری شیوه‌های زندگی، از ثبات و پایداری بیشتری برخوردارند.	الگوی معیشتی روستایی، خصوصیات زیستی پایداری را برمی‌سازد و معماری متناسب با آن را بنیان می‌نهد.
مهدی حجت	شکل زندگی متکی بر معیارهای اعتقادی و فرهنگ بوده و بر مسکن انسان تأثیرگذار است(حجت، ۱۳۸۸:ده).	اعتقادات و باورها از اهم عوامل شکل‌گیری مسکن هستند.
کریستین نوربری-شولتز	هر اثر معماری به معنای ارزیابی گزینه‌هایی است که با نیازها و نیات انسان سر و کار داشته و دارای معانی وجودی صُوَری از زندگی است. شکل کالبدی هر مجموعه زیستی متناسب با ارزش‌های گزیده اجتماعی آن بوده و نشان دهنده توفق محیط اجتماعی با محیط طبیعی است.	با تعمق در معماری بومی و بافت سکونتی، گزینش‌های فرهنگی انسان و وفاق ارزش‌های اجتماعی عیان می‌گردد.
جان استوری	معنای معماری را مانند هر پدیده فرهنگی، از طریق بازنمایی و رفتاری که معنای واقعیت را برمی‌سازد، با دیگر افراد اجتماع سهیم می‌شویم(استوری، ۱۳۸۵: ٢٤).	اجتماع، از طریق بازنمایی معنا، به کالبد معماری همانند سایر پدیده‌های فرهنگی ارزش ویژه می‌بخشد.

ج ۱. اختصاری از آرای صاحب‌نظران در خصوص عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر کالبد سکونتی. مأخذ: نگارندگان.

خانواده	اقتصاد	نظام سیاسی	دیانت و نهادهای مذهبی	نظام‌های آموزشی	افراد	نقش‌ها	گروه‌ها	طبقه	نظام‌های نمادین	اطلاعات	فناوری	هنر	عوامل ژنتیکی	متغیرهای جمعیت شناختی (دموگرافیک)	مؤلفه‌های اجتماعی
تک همسری یا چند همسری، قومیت و روابط خویشاوندی، جدایی گزینی طایفه‌ای و خانوادگی	تقسیم کار، نحوی انجام فعالیت‌های اقتصادی، دوشغله بودن، الگوهای معیشتی و مشاغل مسلط، الگوهای اقتصادی، بار تکفل	قوانین، امور حکومتی، تصمیم‌های گروهی و درونی، خط مشی‌های سیاسی	آیین‌ها و آداب و رسوم، مقررات و ظرایف مذهبی، عقاید و اخلاق دینی، اعتقادات اجتماعی، گرایش‌های دینی و مذهبی	آموزش‌های همگانی، سواد	قدرت و نفوذ فردی، مناسبات میان فرد با دیگران، رفتارهای فردی	اقتدار و سلطه، منزلت و مقام اجتماعی، توقعات جامعه از فرد	احزاب، گروه‌های قومی و قبیله‌ای،خانواده	شیوه‌های رفتاری، روش‌های زندگی	وقف و اهدای زمین، حریم، قلمرو و محرمیت، سنت و آداب و رسوم ،	دانش و اطلاعات بومی، علم	فناوری‌های جدید، دست‌افزارها و مصنوعات بشری	زیبایی شناسی،معیارهای دستاوردهای هنری، صنایع دستی	قومیت، نژاد	متوسط سن امید به زندگی،میزان باروری، میزان مرگ و میرهای غیرطبیعی،ساختار سنی و جنسی،ساختار و بعد متوسط خانوار،میزان رشد جمعیت(افزایش و کاهش)	مؤلفه‌های زیرمجموعه‌ای
نهادهای اجتماعی						نظام‌های اجتماعی				فرهنگ و فرآورده‌های مادی فرهنگ			جمعیت و تغییرات جمعیتی		عناصر اساسی جوامع انسانی

ج۲. مهم‌ترین عوامل اجتماعی مؤثر بر جوامع که از منظر صاحب‌نظران بازشناخته می‌شوند. مأخذ: نگارندگان.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]

فعالیت‌های اقتصادی: با آن‌که شیوه‌های مختلف فعالیت‌های اقتصادی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر شکل مسکن است، اما در یک منطقه و با فعالیت اقتصادی مشابه، پاسخ‌هایی متفاوت به نیازهای فضایی مشاهده می‌گردد. به‌طور مثال با اقتصاد مسلط کشاورزی و کشت برنج در جلگه‌های گیلان، فضای تخصیص یافته برای انبار کردن برنج در مناطق مختلف متفاوت بوده و نیز فضای استقرار دام‌ها (دام مسلط در این استان، گاو است) در خانوارهای روستایی گیلان به‌رغم همگونی در شیوه فعالیت اقتصادی خانوارها، از تنوع و تعددِ گونه‌ای برخوردار است (طویله‌های دور از خانه مسکونی در مناطق جلگه‌ای و نیز طویله‌های متصل به فضای مسکونی). در گیلان مانند بسیاری از نقاط دنیا "بنا یا ساختمان بومی، بنایی تجمیعی است؛ یعنی گسترش آن از طریق افزایش یک جزء به جزء دیگر به‌دست می‌آید و ساده‌تر از اشکال انعطاف‌ناپذیر بناهای صاحب سبک، خود را با تغییرات هماهنگ می‌سازد"(راپاپورت، ۱۳۸۸: ٦٤). معماری بومی روستایی گیلان، مانند هر معماری برخاسته از زادبوم و برمبنای نیازها و هماهنگ با عوامل محیطی(اکولوژیک)پدید آمده و ازسوی دیگر بر پایه باورهای ذهنی و کنش‌های اجتماعی-فرهنگی مردم منطقه در هماهنگی با کنش های اقتصادی، شکل یافته است. با آن‌که در چگونگی شکل‌گیری معماری گیلان، عوامل جغرافیایی و خصوصیات آب و هوایی، به‌همراه امکانات طبیعی و بومی منطقه، از جمله مصالح و فن ساخت، نقش اساسی دارد، با این وجود تأثیر بارز فعالیت‌های معیشتی و کنش‌های اقتصادی بر مسکن بومی را به‌سهولت می‌توان مشاهده نمود. بیشتر متعلقات خانه و فضاهای خدماتی واحد مسکونی همانند تلمبار، کندوج[21] و طویله، به‌طورمستقیم در ارتباط با فعالیت‌های اقتصادی و معیشتی پدید آمده‌اند. بدیهی است که ساکنان، از تنوع زیاد این عوامل(طبیعی، اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی) بهره برده تا به‌توانند به بهترین نحو وضعیت مسکن، محله و سکونتگاه خود را بهبود بخشند(Mtwangi Limbumba, 2010: 192-193).

فرهنگ: در اغلب پهنه‌های اقلیمی گیلان، شمای معماری بومی همسو با عوامل اجتماعی-فرهنگی، هویت معماری این منطقه را برساخته است. هویتی که با وجود تشابه خصوصیات آب وهوایی گیلان با برخی مناطق[22]دنیا، منحصر به‌فرد[23] است(دیبا و یقینی، ۱۳۷۲ : ۱۰). بدین معنا که در مناطقی از جهان که ویژگی اقلیمی مشابه گیلان دارند، الگوهای متفاوتی از ساختار کالبدی سکونتگاه روستایی دیده می‌شود و براین اساس می‌توان باور داشت:" تفاوت‌هایی که میان انواع بناهای مناطق مختلف وجود دارند، مبین تفاوت‌هایی است که در فرهنگ آیین و مناسک مذهبی، شیوه زندگی، نظام اجتماعی، اقلیم و منظر، مصالح ساختمانی و تکنیک‌های موجود و قابل دسترسی و... وجود دارد"(راپاپورت، ۱۳۸۸: ۳۰). کالبد مجموعه‌های سکونتی، همانند تمامی محیط‌های مصنوع در برگیرنده تصمیمات، گزینش‌ها و روش‌های خاص انجام کار انسان بوده و مختوم به " گزینش یک راه حل از میان تمامی راه حل‌های ممکنه است. گزینش انجام شده، معمولاً با فرهنگ مردم مذکور تطابق دارد و به‌طور کلی یک نحوه بررسی فرهنگ‌ها، بررسی گزینش‌های مختلف آنان می‌باشد. همین مجاز بودن گزینش‌ها است که مکان‌ها را به صورتی بارز از هم متمایز می‌کند"(راپاپورت،۱۳٦٦: ١٦) و معماری‌های متفاوتی را شکل می‌دهد. درست است که موقعیت و سایت (محوطه) به‌عنوان جبر فیزیکی بر شکل مسکن مؤثر است، اما خود بر ارزش‌های فرهنگیِ اجتماع نیز اثرگذار بوده و از این طریق مجدداً بر الگو و شکل خانه تأثیر دارد. بنابراین "به دو طریق می‌توان تأثیر سایت بر

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]

بنا را مورد توجه قرار داد. طریقه اول عبارت است از بررسی طبیعت فیزیکی سایت یا موقعیت هر بنا، یعنی شیب آن، جنس خاک یا جنس و نوع زمین، مسیر حرکت آب‌های سطحی، مسیل‌ها، پوشش گیاهی، اقلیم، خرده اقلیم و...و روش دوم روشی است که ارزش‌های سمبلیک، اعتقادی یا فرهنگی، تاریخی، اجتماعی، اقتصادی سایت و نتایج حاصل از آن و تأثیرات آن بر بنا را مورد بررسی قرار می‌دهد"(راپاپورت،۱۳۸۸: ۱۱۸). تأثیرگذاری عوامل طبیعی و محیطی در ایجاد شکل و ساختار خانه و مجتمع زیستی بسیار اهمیت دارد؛ اما انتخاب موقعیت استقرار و گزینش مکان ساخت بنا، به ارزش‌های اجتماعی-فرهنگی نیز وابسته است(ن ۱).

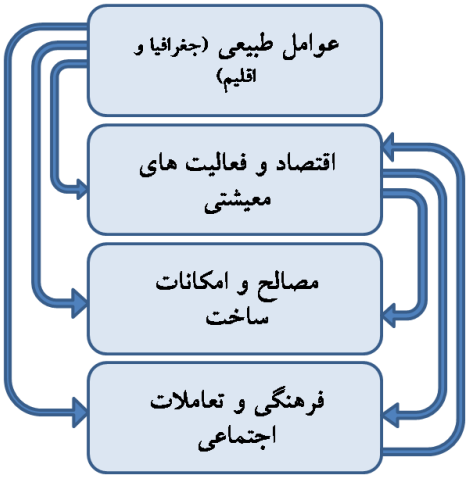

ن ۱. تأثیرپذیری عوامل مؤثر بر مسکن از یکدیگر. مأخذ: نگارندگان.

امنیت: عامل دفاع و یا وجود امنیت در هر منطقه توجیه کننده خصوصیات دیوارها، موانع، پرچین و حصار به اشکال متخلخل یا صلب، به دلیل نقش دفاعی و بازدارندگی آن‌ها است. یقیناً این عناصر دارای اهمیت و کارکرد مذهبی نیز هستند که با وجود امنیت و یا نزاع، تشدید یا تعدیل می‌گردند. فقدان حصار محکم و دیوارهای صلب در معماری بومی روستایی گیلان حکایت از وفاق اجتماعی و وجود امنیت طولانی در این مناطق دارد(ت۱). این عامل در کنار دلایل اقلیمی، بافت باز را موجه جلوه می‌دهد. نوع محصوریت و گونه‌های حصار و دیوار بناهای مسکونی گیلان، مبین میزان محرمیت فضایی و نحوه تفکر و اعتقادات مردم این مناطق است(ت۲).

ت۱. بافت باز و عدم وجود حصار محکم در محوطه خانه روستایی در روستای آق اولر. مأخذ: آرشیو تصاویر نگارندگان.

ت۲. پوشش ایوان و تلار از طریق پارچه برای جلوگیری از دید نامحرم در روستای لات لیل. مأخذ: آرشیو تصاویر نگارندگان.

روابط اجتماعی: در بسیاری از روستاهای گیلان، روابط اجتماعیِ خارج از روابط خویشاوندی، منجر به همزیستی و همسایگی افراد در کنار یکدیگر بوده و لذا محلات روستا کمتر بر مبنای قومیت شکل یافته‌اند. در واحد همسایگی در روستاهای پهنه‌های مختلف گیلان،

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]

استقرار خانوارهای خویشاوند کمتر مورد توجه است. نحوه ایجاد واحدهای همسایگی و همجواری واحدهای مسکونی، تبیین کننده تأثیر بارز روابط اجتماعی است. در این مناطق، تأکید بر تشکل محلات برمبنای قومیت و روابط خویشاوندی، کمتر مشاهده شده و بیشتر جایگیری خانوارهای گسترده پدری در یک محوطه مسکونی با عناصر خدماتی مشترک به چشم می‌خورد. در مناطق جلگه‌ای، اجزای محوطه مسکونی به صورت منفک درون محوطه قرار گرفته و همانگونه که بیان شد، سازمان‌دهی فضایی، از روش تجمیع عناصر کارکردی بهره می‌برد. به بیان دیگر در نظام استقرار کالبدی محوطه مسکونی از روش افزایش فضایی بر فضای دیگر استفاده می‌گردد اما در نقاط کوهستانی که عناصر خدماتی و مسکن در قالب یک واحد ساختمانی گنجانده می‌شوند، از روش تفکیک داخلی و تجزیه ساختمان به اجزای کارکردی استفاده می‌شود.

قلمرو: در نظام جایگیریِ عناصر محوطه مسکن روستایی گیلان، آنچه که بیشترین اهمیت را دارد، در مرکز زمین واقع می‌گردد و لذا خانه (بنای مسکونی) در مرکز محوطه (سایت) استقرار می‌یابد. در زندگی اجتماعی روستایی گیلان، خانه تنها، جزیی از یک مجتمع زیستی همگن است و کل مجتمع، کادری از زندگی است که سلسله مراتب خصوصی سازیِ زیستن در آن به غایت رعایت شده است و سکونت خصوصی، سکونت عمومی و سکونت مجتمع یا سکونت در آبادی، مکمل هم واقع می‌شوند.اساساً فضاهای عمومی روستا صحنه ملاقات و دیدار انسان‌ها و ارتباط عمومی آن‌ها است. از این‌رو در این فضا، انسان با احساس آزمودن آنچه که به یک جهان معنا می‌بخشد، مسکن می‌گزینند. با پذیرش چنین فضایی، روابط اجتماعی از دیدارهای ساده، به توافقاتی پیچیده ارتقا می‌یابد که نشان از توسعه جامعه داشته و امکان عضویت و اجتماع‌پذیری را میسر می‌سازد. این تعامل، نیازمند فضایی مشاع است که دیدارهای روزانه در آن به‌وقوع بپیوندد و این مکان عمومی نیز حافظ ارزش‌های مورد توافق در اجتماع بوده و سکونت عمومی را فراهم می‌سازد.

در روستاهای گیلان به‌طور عام کوچه به‌رغم آن‌که عناصر مجموعه زیستی را به‌هم پیوند می‌دهد، مرز میان دو فضا، دو واحد مسکونیِ غیر مجاور و یا محوطه‌های آن‌ها است.در مناطقی همانند نقاط کوهپایه و کوهستان‌های گیلان مرزی مشخص میان محوطه واحد مسکونی و معبر مجاور آن وجود نداشته و در پاره‌ای از اوقات انجام برخی فعالیت‌های محوطه مسکونی در معبر صورت می‌پذیرد. با توجه به اینکه ارتباط بلافصل خانه با اجتماع توسط کوچه تأمین می‌شود، می‌توان بیان نمود که کوچه نقش مهمی در زندگی اجتماعی انسان داشته و ارتباط میان کوچه و قلمرو خصوصی(گذر از کوچه به خانه)، اهمیت بسیار زیادی دارد. در روستاهای گیلان، مرزبندی بناهای مسکونی همانند شهرهای بزرگ که در آن حریم‌های عمومی و خصوصی به غایت تفکیک شده است، وجود نداشته و تمایز در تقسیم‌بندی فضایی، رویت نمی‌شود. خانه در روستا با مفهوم واقعی سکونت، به‌شکلی متمایز از زندگی گسسته افراد جامعه در شهرهای بزرگ متجلّی می‌شود.

هویت: روستا یکی از عرصه‌های پایدار و بسیار کهن سکونت جمعی انسان است و شامل فضاهایی عمومی است که زندگی اجتماعی در آن شکل می‌گیرد و در هم‌نشینی با خانه که محل سکونت خصوصی است، هویت فردی را معنا می‌بخشد. تعاملات اجتماعی انسان‌ها پس از تشکّل مجتمع‌های زیستی که در راس آن روستا است، تولد می‌یابد و حاوی توافق میان ساکنان یک سکونتگاه مجتمع و حافظ منافع مشترک و ارزش‌های اجتماعی آن‌ها است. این تعاملات منجر به امکان عضویت در اجتماع و تحکیم روابط بین اعضا می‌شود و

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]

خود نیازمند فضایی همگانی و مشترک میان اعضای مجتمع زیستی است که به دیدارهای روزانه منجر می‌شود. فضاهای عمومی که سکونت عمومی را در بر می‌گیرند، مکمل جنبه دیگر سکونت یعنی خلوت فردی است که در مسکن شکل می‌پذیرد و موجب پرورش هویت است. سکونت حس تعلق خاطر به نقطه‌ای خاص است که دارای تأثیرات عمیق و پایدار می‌باشد. این هویت در بستر وجودی خود که ناشی از تعلق به مکانی در کنار سایرین است، در گذر زمان به هویت اجتماعی و عمومی بدل می‌شود.

احساس تعلق داشتن به مکان و یک قلمرو و نیاز به هویت، از نیازهای ثابت با حساسیت بحران‌زایی زیاد است. هویت به معنای درک مردم درباره کیستی و چیزهایی است که برایشان معنادار است. مفهوم هویت در فرآیند اجتماعی‌شدن انسان یافت می‌شود و کنش متقابل بین شخص و جامعه موجب اتصال جهان شخصی و عمومی وی می‌گردد. در روستاهای گیلان خانه جدای از محله و روستا نبوده بلکه در موافقت با آن، گوشه دنجی برای زندگی خصوصی است که در ارتباط با مردم روستا نیز قرار می‌گیرد (ت۳). زندگی کردن در منطقه‌ای آشنا و میان مردمی از نوع خود که شیوه‌ها و عادت‌هایشان را شناخته شده است به انسان احساس امنیت می‌دهد. بدین سبب زندگی افراد روستا، با آبادی یعنی صحنه رخداد سکونت طبیعی، درهم می‌آمیزد.

با تعمق در خصوصیات کالبدی روستاهای گیلان می‌توان به اثرپذیری بافت کالبدی از عوامل اجتماعی-فرهنگی در کنار سایر عوامل پی برد که برخی از مهم‌ترین آن‌ها بیان گردید. مسلم آن‌که تبیین تمامی خصایص اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر معماری و بافت کالبدی در قالب مقاله نمی‌گنجد. اما می‌توان اصلی‌ترین عوامل اجتماعی مؤثر را دسته‌بندی کرد.

ت ۳. فضاها و عناصر معماری خانه، در تلفیق با فضای عمومی معبر. مأخذ: آرشیو تصاویرنگارندگان.

تأثیر عوامل اجتماعی بر کالبد روستایی در گیلان

مطابق مطالب پیش‌گفته مقاله و با تکیه بر مشاهدات میدانی، با دسته‌بندی عوامل اجتماعی حاکم بر مجموعه‌های زیستی، الگوی تحلیلی آزموده شامل عناصر اصلی اجتماعی اثرگذار بر کالبد روستاهای گیلان را می‌توان در جدول شماره ۳ خلاصه نمود[۲۴].

چنانکه از جدول استنباط می‌شود هر یک از عناصر جوامع انسانی، بر اجزای کالبد مجموعه زیستی تأثیر چند جانبه دارد. البته نه تنها عناصر جامعه را می‌توان به اشکال و اجزای مختلف دسته‌بندی کرد، بلکه تأثیر آن‌ها بر کالبد نیز به صُور مختلف می‌باشد. آنچه حائز اهمیت است این است که مطالعه در خصایص اجتماعی-فرهنگی مردم هر منطقه، بر فرایند سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و طراحی کالبد زیستی مناسب برای آنان، الزامی است. با توجه به ریز مؤلفه‌های بیان شده در جدول، به‌نظر می‌رسد که چند عامل اجتماعی-فرهنگی بیش از سایر عوامل به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر کالبد اثر می‌گذارد که از آن جمله فناوری، کنش‌های معیشتی و تقسیم کار، شیوه‌های زندگی روزمره، آداب و رسوم و آیین، روابط و جایگاه اجتماعی افراد، قدرت و اقتدار، حریم و قلمرو، جهان‌بینی و اعتقادات فرامادی است که بررسی هریک تحقیقی مجزا را می‌طلبد.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]

ردیف	عناصر اساسی جامعه‌های انسانی	مؤلفه‌ها	بافت کالبدی روستا			
			نظام کاربری اراضی	نظام شبکه‌بندی معابر	نظام محله‌بندی	نظام شِمای بافت کالبدی و معماری بناها
۱	جمعیت	عوامل ژنتیکی متغیرهای جمعیت شناختی (دموگرافیک)	اختصاص کاربری مسکونی و غیر مسکونی به‌ازای ازدیاد جمعیت تخصیص فضاهای کالبدی متناسب با ساختار سنی و جنسی، همانند مدارس، فضاهای فرهنگی و ... تغییر کاربری اراضی و کالبدی در پی تغییرات ساختار جمعیتی نظیر مرگ و میر و مهاجرت‌های افزایشی و کاهشی	تعریض معابر به‌منظور تسهیل در تردد پیاده و سواره در پی افزایش جمعیت سکونت‌گاه تعدد واحدهای خرده‌فروشی در کنار معابر اصلی و فرعی و تغییر در اتمسفر فضایی معابر بر اساس کاربری و ازدحام نابسامانی و عرض کم معابر در محله‌های مهاجرنشین	تعدد محله‌ها و مراکز آن‌ها ساماندهی فضاهای عمومی در محله محله‌بندی مستقل قومیت‌های مختلف در روستا (جداسازی اقوام محلی و مهاجرین) بوجود آمدن محله‌ها و سکونتگاه‌های غیررسمی در حومه روستاها تجمع افراد مسن در مراکز محلات	افزایش سطح زیربنا از طریق احداث اجزا نظیر ایوان الحاقی در همکف برای افزایش جمعیت خانوار پیش‌بینی ازدیاد سطح زیربنا در مسکن برای توسعه آتی استقرار خانواده‌های گسترده پدری در یک مجموعه ساخت منازل مسکونی با مصالح متفاوت، ارزان و گاه نامناسب توسط مهاجران
۲	فرهنگ و فرآورده‌های مادی فرهنگ	نظام‌های نمادین اطلاعات فناوری هنر	یکپارچه شدن اراضی کشاورزی و شالیکاری با استفاده از تکنیک‌های جدید تخصیص فضا برای برخی کاربری‌های تاسیساتی و تجهیزات روستایی (مخابرات، پست برق و...) متناسب با پیشرفت تکنولوژی وقف زمین روستا و اختصاص آن به کاربری‌های آموزشی یا عبادی (مسجد، حسینیه) بر اساس اعتقادات مذهبی	تعریض معابر و اختصاص سواره‌رو با افزایش اتومبیل در سطح روستا استفاده از مصالح غیر بومی نظیر بلوک سیمانی برای دیوار محوطه مسکونی مجاور معابر اصلی اختصاص فضای رفتارهای معیشتی و کنش‌های مربوط به شیوه‌های زیستی در کنار معابر تداخل حریم‌های عمومی و خصوصی (معابر و محوطه خصوصی) با توجه به مفاهیم فرهنگی قلمرو و محرمیت استقرار برخی عناصر و فضاهای خدماتی مسکن در مجاورت معبر به جای قرارگیری در محوطه مسکن	تفکیک محلات براساس خصوصیات فرهنگی، قومی مذهبی (تشیع و تسنن در غرب گیلان) تفکیک محلات بر پایه سطح درآمد و کُنش‌های روزانه مربوط به شیوه‌های زندگی عدم وضوح محدوده و قطعیت در مرزبندی محلات به‌دلیل هم‌نشینی و تجانس فرهنگی مردم روستا	استفاده از مصالح جدید و فناوری‌های نوین (عموماً وارداتی) در ساخت بناها پیش‌بینی و اختصاص فضا برای استقرار ادوات و ماشین‌های کوچک کشاورزی (نظیر تیلر و موتور دروگر) درون محوطه مسکونی گزینش الگوهای معماری براساس خصایص و پیشینه فرهنگی تغییر در نوع حصارهای محوطه مسکونی به دلیل تردد افراد غریبه به‌واسطه سهولت در حمل و نقل
۳	نظام‌های اجتماعی	افراد نقش‌ها گروه‌ها طبقه‌ها	میزان تملک بر اساس موقعیت اجتماعی فرد جایگیری مسکن افراد شاخص در کنار معابر اصلی و مکان‌های مهم همانند گره و قطب روستا تصاحب و تغییر کاربری اراضی بر اساس روابط سلطه، قدرت و اقتدار	ارتباط معبر و محوطه مسکونی (تداخل یا تفکیک) وجود معابر فرعی با دسترسی محدود و حق ارتفاق در گره‌های مسکونی و خویشاوندی ارتقای درجه معبر براساس استقرار افراد با نفوذ وقوع برخی کنش‌های اجتماعی و اقتصادی مربوط به روش‌های زندگی، در جوار معابر	همسایگی و استقرار گروه‌های خویشاوندی در یک محل و منطقه شکل‌گیری مرکز محله در مجاورت مسکن افراد صاحب اقتدار اسکان افراد هم پایه یا طبقه در یک محله شکل‌گیری مراکز محله در روستا متناسب با تجمع گروه‌ها و قشرهای مختلف	انتخاب الگوی مناسب برای مسکن افراد، بر حسب موقعیت اجتماعی آنان شکل‌گیری معماری بناها براساس وضعیت فرهنگی و معیشتی قشرهای مختلف روستا وجود عناصر خدماتی واحد مسکونی بر حسب شیوه‌های زیستی
۴	نهادهای اجتماعی و نظام‌های نمادین	خانواده و خویشاوندی اقتصاد سیاست دین نظام‌های آموزش	تعیین سیاست و قوانین کشوری در جهت حفظ یا تغییر کاربری‌های اراضی تفکیک و تقسیم کاربری‌های زراعی و باغی به قطعات کوچکتر در پی انتقال به نسل جوان‌تر در نظام خویشاوندی اختصاص بخش‌های عمده‌ای از اراضی روستا به کاربری‌های اقتصادی و معیشتی تعدد مراکز عبادی و محل برگزاری مناسک مذهبی بر اساس قومیت و خویشاوندی اختصاص اراضی به کاربری‌های آموزشی (مدرسه، نهضت سواد آموزی)	عریض بودن معابر در نتیجه نامحصور بودن قطعات تفکیکی مسکونی در مناطق جلگه‌ای خصوصی شدن نسبی معابر در مجاورت املاک شخصی همیاری عمومی در ساخت، تعمیر یا تعریض معابر داخلی ساماندهی مکان تجمع، مراکز تعاملات فرهنگی و تبادلات اقتصادی روستائیان (تجاری‌های حاشیه معابر) افزایش عرض معبر منتهی به بقاع متبرکه، امامزاده‌ها و مساجد ساخت معبر منتهی به مراکز آموزشی با توجه به تردد دانش‌آموزان ساماندهی معابر برای تسهیل تردد کودکان و سالمندان در فصول مختلف سال	تجمع منازل مسکونی هم طایفه در یک محل براساس حفظ و تقویت رابطه خویشاوندی عرضه محصولات و تولیدات حاصل از خود اشتغالی ساکنان در تجاری مرکز محله و یا در مکان تجمع افراد محله اهمیت و تأکید بر مکان تعاملات اجتماعی و فرهنگی روستائیان در مرکز محله‌ها (قهوه‌خانه، نمازخانه و ...) فعالیت مستمر مردم در مسجد محله با برگزاری جلسات برای اداره و کنترل محله شکل‌گیری مراکز محله‌ای در کنار مراکز مذهبی نظیر بقاع متبرکه، امامزاده‌ها و مساجد تجمع منازل مسکونی خانواده‌های هم‌عقیده دینی(سنی‌ها) در یک محل سامان یافتن فضای آموزشی غیر دولتی (قرآن، عقیدتی، خیاطی، گلدوزی و ...) در هر محله	اختصاص فضایی برای مهمان در واحد مسکونی احداث و الحاق اتاق برای زندگی پسر و عروس، در خانه پدری (تغییر خانواده ساده به خانواده گسترده پدری) استتار زندگی در فضاهای نیمه باز توسط پوشش ایوان و تلار از طریق پارچه یا حصیر برای جلوگیری از دید افراد غریبه ترکیب فضاهای سکونتی و معیشتی در مسکن روستایی مشارکت مردم و دولت برای مقاوم‌سازی مسکن روستایی (تبدیل اسکلت چوبی به بتنی) با روش‌های تشویقی دولتی همیاری عمومی بر پایه مشارکت اجتماعی در ساخت بناهای مسکونی و غیر مسکونی ساخت و ارتقای فضاهای آموزشی (دبستان، راهنمایی، متوسطه) با معیارهای سازمان‌های دولتی

ج۳. عناصراصلی اجتماعی اثرگذار بر کالبد روستاهای گیلان. مأخذ: نگارندگان.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]

نمونه موردی

با بررسی روستاهای محدوده شهرستان رودسر مشاهده می‌شود که خصوصیات اقلیمی به همراه ویژگی‌های اقتصادی در کنار خصایص اجتماع-فرهنگی، تمایز شمای کلی بافت کالبدی روستاهای گیلان را توجیه می‌نماید و بر کالبد روستاها یعنی نظام کاربری اراضی، نظام شبکه‌بندی معابر، نظام محله‌بندی و نظام معماری بناها، مؤثر است(ت٤).

ت٤. بافت باز مسکونی روستا. مأخذ: آرشیو تصاویرنگارندگان.

در روستاهای گیلان، فضاهای نگهداری محصول همانند کندوج از اهمیت و امکان مراقبت برخوردار است. استقرار این فضاها در ادغام با معابر روستا از خصایص کالبدی مجموعه زیستی است که هویت اجتماعی مردم را باز تعریف می‌نماید (ت٥). عدم وجود حصارهای بصری و رفتاری در روستاهای گیلان تقریباً همیشگی است.

ت٥. فضای اقتصادی و فضای مسکونی در داخل حریم معبر عمومی. مأخذ: آرشیو تصاویرنگارندگان.

در نقاط مختلف کوهستان تا حاشیه دریا به تکرار، نشان از تداخل فضاهای نیمه عمومی روستا و فضاهای نیمه‌خصوصی خانه دارد. به بیانی دیگر واحد مسکونی با مرزی قطعی از معبر روستا تفکیک نموده و فضاهای بینابین با عقب‌نشینی نامحسوس از معابر روستا به کنار کشیده می‌شوند. این خود گویای وفاق اجتماعی مردم روستا است که سکونت در آبادی را مکمل سکونت در خانه قرار داده و محوطه روستا تنها یک میدان برای عبور

ت٦. فضاهای نیمه خصوصی پیش‌ورودی، با عقب‌نشینی ظریف، جزئی از معبر روستا. مأخذ: آرشیو تصاویر نگارندگان.

نیست، بلکه فضایی است که مکمل خانه و مفهوم سکونت را سامان می‌دهد(ت٦).

آیین و رسوم در هر منطقه بیانگر نحوه تفکر مردم است و قطعاً جهان‌بینی بر شکل خانه مؤثر می‌باشد. نمادهای مربوط به کنش‌های اقتصادی زن در گیلان که درآیین‌های[۲۵] مردم رودسر شناخته شده‌تر است(ت٧)، در فضاهای عمومی روستا و حیاط خانه، برای شرکت همگانی مردم، بخشی از فعالیت‌های اجتماعی روستائیان در اوقات پس از برداشت محصول است که بر بافت کالبدی روستا تأثیرگذار می‌باشد.

فعالیت‌هایی که در نقاط شهری و روستاهای نقاط مرکزی ایران در درون خانه صورت می‌پذیرد در جوارمعابر روستاهای گیلان، فضاهای عمومی و به‌عبارتی

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]

در کل محوطه روستا متداول است. شیوه‌های زندگی، ارزش‌های فرهنگی، آداب زیستی، روابط اجتماعی و مفاهیم قلمرو، حریم و محرمیت نه تنها اجازه تداخل فضاهای محوطه مسکونی و فضاهای عمومی روستا را ممکن می‌سازد، بلکه آن‌را موجه و قانونی می‌نمایاند (ت۸). رویت بخشی از فعالیت‌های خانواده در معابر روستا امری عادی است.

ت۷. نمایش نمادین شیوه‌ها و کنش‌های تولیدی زن در فعالیت تولید برنج که در آیینی کهن اجرا می‌گردد. مأخذ: آرشیو تصاویرنگارندگان.

ت۸. تظاهر رفتارهای سکونتی، عناصر اقتصادی و فضاهای نیمه‌عمومی خانه،ترکیب‌شده با معبر روستا. مأخذ: آرشیو تصاویرنگارندگان.

دگرگونی‌های فرهنگی در برخی موارد باعث بروز تفاوت‌هایی در شکل‌گیری بافت کالبدی، عناصر و اجزای معماری بوده است. از این‌رو تحولات اجتماعی-فرهنگی معمولاً موجب تحول در شمای کلی بافت، شیوه و الگوی ساختمان‌سازی می‌شود. به‌گونه‌ای که در روند تأثیرگذاری زندگی و فرهنگ سکونت شهری بر زیست روستائیان، در بسیاری موارد الگوهای معماری شهری و به‌ویژه الگوهای معماری حاشیه‌نشینی در شهرها که معمولا فاقد ارزش‌ها و انتظام معماری‌اند، جای بناهای سنتی روستایی را (که ظاهراً عملکرد پیشین خود را از دست داده‌اند) می‌گیرد(خاکپور و شیخ‌مهدی، ۱۳۹۰: ۲۳۸). این در حالی‌است که جایگزینی الگوهای نامناسب معضلات فراوانی به‌دنبال دارد. بر این مبنا، هر تحول اجتماعی که موجب تغییرات اساسی در فرهنگ و شیوه سکونت می‌گردد، باید مورد مداقه قرار گرفته تا تأثیر آن بر مجتمع زیستی به بهترین صورت ممکن گردد. بر این اساس تأثیر مهم‌ترین عوامل اجتماعی و فرهنگی بر خصوصیات بافت کالبدی و معماری را می‌توان در جدول شماره ٤ خلاصه نمود.

نتیجه

در پاسخ به این پرسش که عوامل اجتماعی و فرهنگی چه تأثیری بر بافت کالبدی روستاهای گیلان می‌گذارد، با مرور کلی پیش‌نوشته‌ها، می‌توان اذعان داشت که رفتارها و فعالیت‌های اجتماعی-فرهنگی در طول تاریخ حیات روستاها، برایندی از تعامل مردم با عوامل طبیعی و خصوصیات اقلیمی و جغرافیایی بوده که از طریق تعریف کار و فعالیت اقتصادی و معیشتی، زمینه همگونی هر یک از افراد با جامعه و هماهنگی کنش‌های اجتماعی را فراهم آورده و جامعه‌پذیری آنان را ممکن کرده است. انسجام روابط اجتماعی و فرهنگی موجود بین ساکنان روستا،

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]

هماهنگی کالبد مبتنی بر این‌گونه کنش‌ها را به دنبال دارد. میان عناصر اساسی جوامع انسانی (نظیر جمعیت، فرهنگ، فرآورده‌های مادی، ساختار اجتماعی، نهادهای اجتماعی) و ساختار کالبدی روستاهای گیلان (مشتمل بر چهار حوزه نظام کاربری زمین، نظام شبکه‌بندی معابر، نظام محله‌بندی، و نظام معماری بناها) ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد (ج٤) و بدیهی است که تغییر در هر یک از عناصر، موجب دگرگونی کالبد مجتمع زیستی می‌گردد.

مهمترین عوامل اجتماعی-فرهنگی موثر بر مسکن بومی	✓	≈	~
ستون بر سطر تاثیر دارد			
ستون بر سطر تا حدودی تاثیر دارد			
ستون بر سطر تاثیر ندارد			

| مهمترین مشخصه های بافت کالبدی | نهادهای اجتماعی | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | نظام‌های اجتماعی | | | | | | | | | | | | | | | | | | |

رفتارهای اجتماعی از نوع کنش‌های معنادار(و نه کنش‌های زیستی) و پدیده‌های فرهنگی است که خود مستقیماً بر معماری تأثیرگذار است. انسجام کالبدی سکونت‌گاه‌های انسانی و به‌خصوص روستاها به تبع انتظام اجتماعی شکل می‌گیرد و در آن ساختار محله، جزء محله و واحد مسکونی از ویژگی‌های ساختاری جامعه تبعیت می‌کنند. همان‌گونه که مطرح شد، وضعیت اجتماعی-فرهنگی ساکنان روستا به‌عنوان عاملی اثرگذار بر بافت کالبدی روستا مطرح بوده و خود از چند عامل گوناگون تأثیر پذیرفته است. برخی از مهم‌ترین این عواملِ اجتماعی-فرهنگی، عبارتند از فناوری و کنش‌های معیشتی مبتنی بر آن، شیوه‌های زندگی، آداب و رسوم و آیین، روابط اجتماعی، قدرت و اقتدار، حریم و قلمرو و همچنین جهان‌بینی. خلق معماری به منزله هنری کاربردی، در کنار عوامل جغرافیایی و اقلیمی، بی‌واسطه تحت تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی می‌باشد و هنرمند معمار روستایی که بر پایه عملکرد (فونکسیون) دست به خلق اثر می‌زند، از میان راه حل‌های مختلف، گزینشی انجام می‌دهد که این انتخاب صرفاً نتیجه مصالح و شرایط موجود نیست بلکه از فرهنگ و اوضاع اجتماعی نیز تأثیر می‌پذیرد و منجر به پدیداری معماری روستایی می‌شود. از آن‌جا که فرهنگ بر الگوی سکونت، سلسله مراتب دسترسی و همچنین بر ظاهر و شکل بافت کالبدی و معماری تأثیر می‌گذارد، هر تغییر یا تحول فرهنگی، نه‌تنها موجب تغییر در ویژگی‌های کلی بافت کالبدی می‌شود، بلکه خصوصیات فیزیکی مسکن را نیز دگرگون می‌سازد. بنابراین کالبد زیستی، محل تجلّی حیات مدنی و نیازمند تداوم این حیات است. لذا برای تحقق این تداوم، به‌نظر می‌رسد که هرگونه برنامه‌ریزی و طرح کالبدی برای مناطق روستایی، نیازمند شناخت مناسب از خصوصیات اجتماعی-فرهنگی مردم روستا و تدقیق در تأثیر این خصوصیات بر کالبد زیستی است.

پی نوشت

۱. برای اطلاع از ارتباط بین محیط زیست و انسان ر.ک: لنسکی، ۱۳۷٤: ۱٦.

۲.Amos Rapoport: آموس راپاپورت (۱۹۲۹)، معمار و انسان شناس لهستانی، که با رویکرد فرهنگی اجتماعی به محیط می‌نگرد. وی مطالعات خود را بر اهمیت زمینه فرهنگی در شکل شهر متمرکز ساخته است.

۳.Paul Oliver: پل اولیور (۱۹۲۷)، تاریخ‌نگار معماری و نویسنده انگلیسی.

٤. Thomas Gordon Cullen: توماس گوردن کالن (۱۹۱٤-۱۹۹٤)، معمار و طراح شهر انگلیسی و از تأثیرگذارترین چهره‌ها در منظر شهری است.

۵. برای مطالعه بیشتر ر.ک: کالن، ۱۳۸۲: ۷.

٦.Edmund Norwood Bacon: ادموند نوروود بیکن (۱۹۱۰-۲۰۰۵)، معمار، طراح شهر، و نویسنده آمریکایی که به دلیل خدمات زیادی که برای شهر فیلادلفیا (زادگاهش) ارائه داد به «پدر فیلادلفیای مدرن» مشهور شد.

۷.برای مطالعه بیشتر ر.ک: Bacon,1974: 24-32.

۸. Camillositte:کامیلوسیته (۱۹۰۳-۱۸٤۳)، معمار اتریشی که مهم‌ترین اثر وی کتاب «هنر ساختن شهرها» در سال ۱۸۸۹ می‌باشد. بیشتر نظریات او در باب مرمت شهری است.

۹. kevin lynch: کوین لینچ (۱۹۱۸-۱۹۸٤)، شهرساز آمریکایی که سهم مهمی در طراحی و برنامه‌ریزی شهری در قرن بیستم داشت.

۱۰. برای مطالعه بیشتر ر.ک: لینچ، ۱۳۸۵: ۹۰.

۱۱. Michael Trieb : مایکل تریب (۱۹۳٦)، معمار آلمانی.

۱۲. برای مطالعه بیشتر ر.ک: آقایاری هیر، محسن، ۱۳۸۷: ٤٦.

۱۳. برای مطالعه بیشتر ر.ک: Rapoport, 1969: 15.

۱٤. برای مطالعه بیشتر درباره «نظام محلات و مراکز محلات» که به‌عنوان یکی از «مصادیق فضای جمعی در روستا» در نظر گرفته شده است، ر.ک: علی‌الحسابی، مهران و نفیسه نگارش، ۱۳۸۹: ۳۰.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]

۱۵. برای اطلاع از حوزه‌های فرهنگی بیه‌پیش و بیه‌پس در گیلان که توسط سفیدرود مجزا شده‌اند، در کتب مختلف مطالب مبسوطی وجود دارد که یکی از سودمندترین آن‌ها به واسطه دیدگاه جامعه‌شناختی برمبرژه دست می‌دهد. ر.ک: برمبرژه، ۱۳۷۲.

۱۶. بیشتر اندیشمندان مسلمان بر زندگی اجتماعی انسان تأکید کرده و آن‌را از نیازهای آدمی برای تأمین زندگی بهتر و رسیدن به کمالات انسانی در برآوردن حوایج مادی زندگی با تأکید بر تقسیم کار در جوامع مدنی می‌دانند. البته متفکرانی به نام اخوان‌الصفا بر روح تعاون و همکاری به‌عنوان نیاز فرامادی نگریسته و وحدت را مایه سعادت و نجات می‌دانستند. برای اطلاع از اندیشه متفکران مسلمان ر.ک: محمدی‌عراقی و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۸۱-۲۷۷.

۱۷. متفکر بزرگ اسلامی قرن هشتم هجری (۸۰۶-۷۳۲ ه.ق) که برخی او را پدر جامعه‌شناسی نام نهاده‌اند.

۱۸. خلاصه تفکرات ابن خلدون ر.ک: صدیق سروستانی و دیگران، ۱۳۸۵: ۲۹۸.

۱۹. Ralph Linton: رالف لینتون (۱۸۹۳-۱۹۵۳)، مردم‌شناس آمریکایی.

۲۰. Max Weber: ماکس وبر (۱۸۶۴-۱۹۲۰) جامعه‌شناس آلمانی، و محقق در زمینه علوم اقتصاد سیاسی که بسیار بر نظریه جامعه و مطالعات بین رشته‌ای جامعه‌شناسی تأثیر گذار بود.

۲۱. برای اطلاع از تلمبار و کندوج و دیگر عناصر محوطه مسکونی، ر.ک: خاکپور، ۱۳۸۶: ۳۰-۲۸.

۲۲. نویسندگان مقاله، گیلان را به لحاظ رطوبت زیاد و گرمای هوا در تابستان دارای شرایط اقلیمی ویژه‌ای می‌دانند که به زعم آنان مشابه آن تنها در مناطقی از آمریکای مرکزی، بنگلادش، مالزی و یا اندونزی یافت می‌شود.

۲۳. در اینجا منظور نویسندگان از منحصر به فرد بودن را نه از منظر بزرگنمایی در بیان خصوصیات ظاهری، بلکه می‌توان به‌دلیل غیر قابل مقایسه بودن آن با سایر نقاط استنباط نمود. آنچنان‌که غالب معماری‌های بومی دارای این خصوصیت بوده و هر معماری بومی دارای خصایصی منحصر به‌فرد است.

۲۴. این خصایص بر مبنای مشاهدات میدانی، به‌صورت ضوابط نانوشته بر بافت کالبد روستاهای گیلان حاکم است.

۲۵. آیین‌های برداشت اولین محصول، رقص قاسم آبادی، رقص چراغ و دیگر کنش‌های فرهنگی که برای بیان نمادین اهمیت حضور زن و فعالیت‌های او در روستا انجام می‌پذیرد.

فهرست منابع

-آقایاری هیر، محسن. (۱۳۸۷)، تبیین رویکردهای طرح‌ریزی کالبدی روستاها، آبادی، شماره ۵۹، صص ۴۷-۴۲.

- احمدیان، رضا؛ محمدی ماکرانی، حمید؛ موسوی، سیروس. (۱۳۸۷)، ویژگی‌های شکلی بافت‌های روستایی ایران، آبادی، شماره ۵۹، صص ۲۳-۱۶.

-استروی، جان. (۱۳۸۵)، مطالعات فرهنگی درباره فرهنگ عامه، حسین پاینده، انتشارات آگاه، چاپ اول، ایران: تهران.

-بردلی،هریت. (۱۳۸۶)،دگرگونی ساختارهای اجتماعی:طبقه و جنسیت، ترجمه محمود متحد، نشر آگه، چاپ اول، ایران: تهران.

-برمبرژه، کریستیان(۱۳۷۰)، مسکن و معماری در جامعه روستایی گیلان، ترجمه علاءالدین گوشه‌گیر، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول، ایران: تهران.

-بوردیو، پی‌یر. (۱۳۸۹)، نظریه کنش دلایل عملی و عقلانی، ترجمه مرتضی مردیها، انتشارات نقش و نگار، چاپ سوم، ایران: تهران.

-حجت، مهدی. (۱۳۸۸)، مقدمه کتاب الگوهای استاندارد در معماری، نشر مهرازان، چاپ اول، ایران: تهران.

-خاکپور، مژگان. (۱۳۸۶)، معماری خانه‌های گیلان، دانشنامه فرهنگ و تمدن گیلان، نشر فرهنگ ایلیا، چاپ اول، ایران: رشت.

-خاکپور، مژگان. (۱۳۹۱)، تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی بر مسکن بومی روستایی در گیلان، رساله دکتری به راهنمایی مجتبی انصاری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

-خاکپور، مژگان؛ شیخ مهدی، علی. (۱۳۹۰)، بررسی تأثیر فرهنگ و تغییرات اجتماعی برمسکن روستایی گیلان، مدیریت شهری، شماره ۲۷، صص ۲۴۵-۲۲۹.

-دیبا، کامران؛ یقینی، شهریار. (۱۳۷۲)، تطبیق منظر با اقلیم، معماری وشهرسازی، شماره ۲۴، صص ۱۶-۶.

-راپاپورت، آموس. (۱۳۶۶)، منشاء فرهنگی مجتمع‌های زیستی،ترجمه راضیه رضازاده، جهاد دانشگاهی دانشگاه علم و صنعت ایران، چاپ اول، ایران: تهران.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]

-راپاپوت، آموس. (۱۳۸٤)، معنی محیط ساخته شده (رویکردی در ارتباط غیر کلامی)، ترجمه فرح حبیب، انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، چاپ اول، ایران: تهران.
-راپاپورت، آموس. (۱۳۸۸)، انسان‌شناسی مسکن، ترجمه خسرو افضلیان، نشر حرفه هنرمند، چاپ اول، ایران: تهران.
-سرتیپی‌پور، محسن. (۱۳۸۸)، آسیب‌شناسی معماری روستایی (به سوی سکونتگاه مطلوب)، انتشارات شهیدی؛ دانشگاه شهید بهشتی؛ بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، چاپ اول، ایران: تهران.
-صدیق سروستانی، رحمت‌الله و دیگران. (۱۳۸۵)، درآمدی به جامعه‌شناسی اسلامی تاریخچه جامعه‌شناسی، انتشارت سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ دوم، ایران: تهران.
-علی‌الحسابی، مهران؛ نگارش، نفیسه. (۱۳۸۹)، تجلی فضای جمعی در سکونت‌گاه‌های روستایی، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۲، صص ۳۸-۲۹.
-کالن، گوردن. (۱۳۸۲)، گزیده منظر شهری، ترجمه منوچهر طبیبیان، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ایران: تهران.
-گولد، جولیوس؛ کولب، ویلیام. ل. (۱۳۸٤)، فرهنگ علوم اجتماعی، گروه مترجمان، نشر مازیار، چاپ دوم، ایران: تهران.
-گیدنز، آنتونی؛ بردسال، کارن. (۱۳۸٦)، جامعه شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، نشر نی، چاپ اول، ایران: تهران.
-لنسکی، گرهارد، لنسکی، جین. (۱۳۷٤)، سیر جوامع بشری، ترجمه ناصر موفقیان، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ایران: تهران.
-لینچ، کوین. (۱۳۸۵)، سیمای شهر، ترجمه منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هفتم، ایران: تهران.
-محمدی عراقی، محمود و دیگران. (۱۳۸۸)، درآمدی بر جامعه‌شناسی اسلامی مبانی جامعه‌شناسی، انتشارت سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ سوم، ایران: تهران.
-معماریان، غلامحسین. (۱۳۸٤)، سیری در مبانی نظری معماری، انتشارات سروش دانش، چاپ اول، ایران: تهران.
-وبر، ماکس. (۱۳۸۵)، مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، ترجمه احمد صادقی، نشر مرکز، چاپ اول، ایران: تهران.
-Bacon, Edmond. (1974), Design of cities, New York, Viking Press.
-Mtwangi Limbumba, Tatu (2010), Exploring social-cultural explanations for residential location choices, Doctoral Thesis in Built Environment Analysis, Stockholm, Sweden, the Royal Institute of Technology Press.
-Linton, Ralph. (1945), The Cultural Background of Personality, New York and London: D. Appleton-Century Co.
-Lynch, Kenny (2005), Rural-Urban Interaction in the Developing World, London, Routledge; 1 edition.
-Rapaport, Amos (1969), House Form and Culture, London, Prentice-Hall, Inc.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]